

کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن

محمّدحسین مهرپور

خلاصه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیانگر مبانی و زیرساخت‌هایی است که این حکومت دینی بر پایه آن استقرار یافته است. از این میان اصل دوم قانون اساسی پایه‌های نظام را معرفی کرده و در بند ششم به کرامت انسانی اشاره می‌کند. اما کرامت انسانی مقرر در این قانون نمی‌تواند از مباحث بین‌المللی حقوق بشر و اعلامیه‌ها و میثاق‌های مرتبط با آن تاثیر نهد.

این مقاله با تبیین مساله کرامت انسانی از دیدگاه دین مفهوم آن را در قانون اساسی و در رابطه با حقوق بشر تشریح می‌کند و با استفاده از این دیدگاه اصول دیگر قانون اساسی را که با همین برداشت از بند ششم اصل دوم به اجرای حقوق بشر کمک می‌کنند معرفی می‌تساید.

اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مقام بیان مبانی و زیر ساخت‌های نظام حکومتی جدید دینی که در اصل اول از آن با عنوان: جمهوری اسلامی ایران یاد شده، شش اصل و یا مبنا و زیر ساخت را بیان کرده که اصل و مبنای ششم آن کرامت انسانی است، اصل دوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: "جمهوری اسلامی ایران، نظامی است بر پایه ایمان به:

- ۱- خدای یکتا (لااله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
- ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین
- ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا
- ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح
- ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی
- ۶- کرامت و ارزش والای انسان، و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا...

پنج بند اول برای عموم مردم مسلمان ایران و به ویژه متشرعین آشناست و منظور همان اعتقاداتی است که با عنوان اصول پنجگانه دین و مذهب یعنی توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت بیان شده و درج آن در این اصل قانون اساسی به خوبی ماهیت دینی و مکتبی این نظام و نفوذ و رسوخ دیدگاه‌ها و مقررات مذهبی را می‌رساند.

ولی بند ششم که کرامت انسانی را نیز به عنوان یکی از مبانی این نظام به شمار آورده و قاعدتاً لوازم و مقتضیات و آثار خاص خود را خواهد داشت از یک سو ریشه در بیان اسلامی و تعبیر قرآنی دارد چرا که در قرآن کریم در آیه معروف و لقد کرمنا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفصیلاً (آیه ۷۰ سوره اسراء) کرامت اعطایی از سوی خداوند به انسان، به فرزندان آدم بدون قید به رسمیت شناخته شده و به گونه‌ای جنبه معنوی همین کرامت از آیات سوره بقره در مورد خلقت انسان و مستقر نمودن او در زمین به عنوان جانشین خدا نیز فهمیده می‌شود در آیه ۳۰ سوره بقره خداوند می‌فرماید:

"و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها ويسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك، قال اني اعلم ما لا تعلمون" از سوی دیگر، قطعاً گنجاندن کرامت انسانی در عداد مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران نمی تواند متأثر از مباحث بین المللی در زمینه حقوق بشر و به رسمیت شناختن کرامت و یا شأن و منزلت انسانی برای انسان صرف نظر از هر نوع تعلقاتی با عنوان Human Dignity: در منشور ملل متحد، و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق مدنی، سیاسی، و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر اسناد بین المللی نباشد، توجه به این معنی در مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی و اظهارات برخی از نمایندگان مشهود است.

کرامت انسانی در اسناد بین المللی

در اسناد بین المللی حقوق بشر ضمن تأکید بر ایمان و التزام به شناسایی کرامت و شأن انسانی (Dignity) بدون دادن تعریف مشخصی از آن بر برابری انسان ها در حیثیت و کرامت انسانی و پیامد مهم آن که برابری همه انسان ها در برخورداری از حقوق و آزادی های اساسی انسانی صرف نظر از نژاد، رنگ، زبان، عقیده و مذهب و موقعیت اجتماعی و منشأ تولد و قومیت و غیره است مؤکداً تصریح شده است. مثلاً ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: "تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند، همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند" و این در حالی است که در مقدمه همین اعلامیه (فراز چهارم) به اعلام ایمان مردم ملل متحد به حقوق اساسی بشر و مقام ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن در منشور ملل متحد اشاره شده است. براساس این باور و در واقع متفرع بر آن و قطع نظر از تمایزاتی که افراد انسانی از لحاظ ارزش های متعالی اخلاقی و معنوی می توانند داشته باشند، چند امر مهم حقوقی و عملی در اسناد بین المللی حقوق بشر و به خصوص اعلامیه جهانی مورد توجه قرار گرفته که عبارتند از: تساوی و عدم تبعیض بین آحاد انسان براساس تعلقاتی از قبیل: نژاد، رنگ، زبان، قومیت، جنس و مذهب، لغو بردگی و غیرقانونی بودن بردگی گرفتن افراد، ممنوعیت شکنجه، قانون مند کردن جرم و مجازات و ممنوعیت مجازات های خشن و

غیر انسانی و تأکید بر آزاد بودن افراد در داشتن و انتخاب عقیده مذهبی و عدم تعرض به حقوق آنها به لحاظ داشتن عقیده مذهبی خاص و نظایر آن ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر می گوید:

"هر کس می تواند بدون هیچگونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ و جنس، زبان، مذهب، عقیده، سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد." طبق ماده ۴: "احدی را نمی توان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی ممنوع است." ماده ۵ هرگونه شکنجه یا مجازات ظالمانه و برخلاف انسانیت و شئون بشری یا مذهبی را ممنوع می کند، مواد ۷ تا ۱۱ برخورداری یکسان همگان از حمایت قانون، دادرسی عادلانه و منصفانه برای همه، اصل برائت، و اصل قانونی بودن جرم و مجازات را مورد تأکید قرار داده، مواد ۱۸ و ۱۹ متکفل بیان آزادی عقیده، مذهب، اظهار عقیده و ایمان و مصون بودن از بیم و اضطراب به خاطر داشتن عقیده و بیان آن است. این حقوق و نظایر آن که در مواد دیگر اعلامیه و با تفصیل بیشتر در میثاقین و سایر اسناد حقوق بشری آمده اساساً بر گرفته از شناسایی اصل کرامت و شرافت انسانی و قائل بودن به وجود این کرامت برای همه انسان ها به هنگام تولد می باشد. البته لزوم برقراری برخی محدودیت ها به لحاظ رعایت حقوق دیگران و یا نظم جامعه و یا حفظ اخلاق عمومی براساس ضوابط صحیح قانونی در یک جامعه دموکراتیک قانونمند در این اعلامیه (ماده ۲۹) و دیگر اسناد پیش بینی شده است، و طبعاً استعدادهای افراد و تلاش آنها و میزان صلاحیت و توانایی آنان در امور مختلف می توانند در احراز موقعیت های اجتماعی و برخورداری از برخی مزایا مؤثر باشند که این امر تبعیض و مغایر حیثیت انسانی شناخته نمی شود. چنانکه مثلاً بند ۲ ماده ۱ مقاله نامه شماره ۱۱ سازمان بین المللی کار مربوط به تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال می گوید: "تفاوت یا محرومیت یا حق تقدیمی که بر پایه صلاحیت حرفه ای جهت اشتغال به حرفه معینی لازم شناخته شده است، تبعیض محسوب نخواهد شد."

اشاره ای به نوع بیان کرامت انسانی در متون دینی. به هر حال در قرآن کریم ضمن اعلام اعطاء کرامت

کرامت اعطایی از سوی خداوند به انسان و به فرزندان آدم بدون قید به رسمیت شناخته شده است.

**گنجاندن اصل کرامت انسانی
در اصل دوم قانون اساسی
بی‌عنایت به مفهوم متداول آن
در نظام جهانی حقوق بشر
نبوده است**

برای انسان و مقام خلیفه الهی برای او بر اینکه همه انسان‌ها از یک نوع کرامت و شرافت انسانی برخوردارند و از این حیث یکسان متولد می‌شوند تصریح نشده است. بلکه از نحوه بیان مطلب از زبان برخی از پیامبران چنین برمی‌آید که ممکن است افرادی صالح و کسانی فاجر و بدکار به دنیا بیایند. به نقل قرآن کریم حضرت نوح پیامبروقتی از هدایت شدن قوم خود ناامید می‌شود و آنان را نفرین می‌کند می‌گوید اگر زنده بمانند جز فرزندان فاجر و بدکار به دنیا نمی‌آورند؛ و قال نوح رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا، انک ان تذرهم یضلوا عبادک و لایلدوا الا فاجرا کفارا.

(آیات ۲۶ و ۲۷ سوره نوح)

داستان حضرت موسی و خضر نیز که در سوره کهف نقل شده در آنجا که خضر کودکی را می‌کشد و پاسخی که در تبیین عمل خود در مقام اعتراض حضرت موسی از این حیث بیان می‌دارد قابل توجه است بنگرید آیه ۱۴ سوره کهف: "فانطلقا حتی اذ القیاهما فقتله، قال اقتلت نفسا زکیه بغير نفس لقد جنت شیناکرا و آیات ۸۰ و ۸۱ که می‌فرماید: و اما الغلام فکان ابواه مؤمنین فخشینا ان یرهقهما طغیاناً و کفراً، فاردنا ان یبدلهما ربهما خیرا منه زکوه و اقرب رحماً...".

در مسئله بردگی نیز ضمن اینکه در اسلام، به هر حال صریحاً بردگی نسخ نشده به هر علت و توجیهی، در متون فقهی صریحاً به حالت برده به دنیا آمدن کودک متولد شده از برده و کنیز سخن به میان آمده است (ویولد رقاً) اینها مسائلی است که وارد بحث آن نمی‌شویم ولی قابل توجه و تعمق و بررسی صاحب نظران است.

امتیازدهی و ارزش‌گذاری از لحاظ موقعیت انسانی بر اساس ایمان و عقیده توحیدی و تقوی و پست‌نگری افراد غیر معتقد و ناصالح نیز در آیات قرآنی مشهود است به گونه‌ای که در مقابل بیان:

"ان اکرمکم عندالله اتقیکم" (آیه ۲ سوره حجرات) و معیار کرامت را تقوی قرار دادن، عدم پذیرش اعتقاد غیر اسلامی و زیانکار بودن غیر معتقدان و تعبیر به تنزل مقام انسان‌های معاند و غیر معتقد به دین حق در حد حیوانات در قرآن کریم مشاهده می‌شود؛ بنگرید به عنوان مثال به آیه شریفه:

"و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخره من الخاسرین" (سوره آل عمران، آیه ۸۵) و آیه

۱۷۹ سوره اعراف: "و لقد ذرانا لجهنم کثیراً من الجن و الانس لهم قلوب لایفقهون بها و لهم اعین لایبصرون بها و لهم اذان لایسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضل، اولئک هم الغافلون".

این مقوله را به همین اشاره می‌گذاریم و تفصیل و تبیین بحث را به اهل فن واگذار می‌کنیم ضمن اینکه بدیهی بودن این امر را که از دیدگاه اسلام و قرآن، نژاد و رنگ و زبان و قومیت و موقع اجتماعی و امثال آن نقشی در ارزش‌گذاری انسانی و یا بهره‌مندی یا محرومیت از حقوق اجتماعی ندارند مورد تأکید قرار می‌دهیم اشاره می‌کنیم که از دیدگاه برخی صاحب نظران اجرای مقررات اجتماعی و حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به هر حال آنچه مربوط به وضع زندگی این جهانی انسان و سامان بخشیدن به آن می‌شود همانگونه که باید فارغ از تبعیضات مبنی بر نژاد و رنگ و زبان و قومیت باشد، می‌تواند فارغ از تبعیضات مذهبی و جنسیتی نیز تنظیم و اجرا گردد.

اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره مصوب سال ۱۹۹۰ وزراء خارجه کشورهای اسلامی تساوی انسان‌ها را در اصل کرامت انسانی برای همه از دیدگاه اسلامی استنباط و اعلام کرده است. بند الف ماده یک اعلامیه مزبور مقرر می‌دارد: "بشر به طور کلی یک خانواده می‌باشد که بندگی نسبت به خداوند و فرزندی نسبت به آدم آنها را گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند. بدون هرگونه تبعیضی از لحاظ نژاد یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره... ولی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر برابری و عدم تبعیض در حقوق را برای همه متعرض نشده است.

در قانون اساسی بعضی از کشورهای اسلامی به این معنی توجه شده و تساوی مردم در کرامت انسانی و حقوق و تکالیف مورد تصریح قرار گرفته است چنانکه مثلاً اصل ۲۹ قانون اساسی کویت مقرر می‌دارد "تمام مردم در کرامت انسانی برابرند و در حقوق و تکالیف عمومی در برابر قانون مساوی هستند و تفاوتی از حیث جنس، اصل، زبان یا دین بین آنها نیست."

مفهوم کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری

بند ۶: اصل دوم قانون اساسی، به ذکر و بیان تکلیف دولت به معنای عام بر شناسایی و اجرای حقوقی که امروزه از آنها به حقوق شهروندی نیز تعبیر می‌شود و در واقع در ردیف حقوق و آزادی‌های اساسی برای همه شهروندان است، پرداخته‌اند، از جمله آنها بندهایی از اصل سوم قانون اساسی که تکالیفی را برای دولت جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌کند به ویژه بند ۳ اصل مزبور: "آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی" بند ۸: "مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش".

بند ۹: "رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی". بند ۱۴: "تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون".

اصل ششم قانون اساسی: "در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، ... و اصل مبنایی ۵۶ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: "حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است، هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خدا داد را از طرفی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند."

اصل ۱۹ می‌گوید: "مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود". اصل ۲۰ مقرر می‌دارد: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند."

اصل ۲۲: "حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند."

و اصل بسیار مهم ۲۳ که مقرر می‌دارد: "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد."

اصل ۲۸: "هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق

اسلامی ایران: همانطور که در ابتدای بحث نیز اشاره شد گنجاندن اصل کرامت انسانی در اصل دوم قانون اساسی به عنوان یکی از مبنای نظام جمهوری اسلامی ایران بی‌عنایت به مفهوم متداول آن در نظام جهانی حقوق بشر و برای توجه دادن به شناسایی و رعایت حقوق همه اقوام و اتباع ملت ایران نبوده است. توجه به این نکته هم در فهم اصول قانون اساسی به خصوص در زمینه حقوق ملت و هم در تدوین و تصویب قوانین عادی و رویه‌های اجرایی و اداری تأثیرگذار خواهد بود. در این قسمت و به عنوان تأیید این نظر مناسب می‌دانم به فرازی از پیام امام راحل رضوان الله تعالی علیه به نمایندگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی به هنگام افتتاح آن مجلس در ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۸ و فرازی از سوگند نمایندگان مجلس مزبور و عبارت دیگری از امام (ره) در این خصوص اشاره کنم قسمتی از بند ۶ پیام امام (ره) به نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی بدن شرح است:

"نمایندگان محترم مجلس خبرگان باید همه مساعی خود را به کار برند تا قانون اساسی، جامع مزایا و خصوصیات زیر باشد:

الف - حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت دور از تبعیض‌های ناروا...^۱

در متن سوگندنامه نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی که در سه بند تنظیم شد، ویدان سوگند خوردند که آن سه اصل را در قانون گذاری رعایت کنند، بند دوم آن بدین گونه است:

"تمامیت ارضی مملکت و همبستگی اقوام ایرانی را در تحت لوای جمهوری اسلامی ایران مدنظر قرار دهیم."^۲

حضرت امام (ره) در پاسخ به سؤالی که توسط شورای عالی قضائی در سال ۱۳۶۲ در زمینه وضعیت غیر مسلمین اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب در ارتباط با اعمال مجازات نسبت به جرائم ارتكابی، مسأله تساوی آنان را در برابر قانون و مصونیت مال و جان آنان مورد تأکید قرار دادند و اینگونه فرمودند: "کفار مزبور (منظور اهل کتاب و غیر اهل کتاب است) در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمان‌های دیگر درباره آنها جاری است و محقون الدم بوده و مالشان محترم است."^۳

و حال اشاره می‌کنیم به برخی از اصول قانون اساسی که به نظر می‌رسد با برداشت همین معنای یاد شده از

برخی اصول قانون اساسی، به ذکر و بیان تکلیف دولت به معنای عام بر شناسایی و اجرای حقوق شهروندی پرداخته است

دیگران نیست برگزینند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل ۳۰: "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد."

اصل ۳۲: "هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند..."

اصل ۳۴: "دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند..."

اصل ۳۶: "حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد."

اصل ۳۷: "اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد."

اصل ۳۸: "هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند معجز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می شود."

اصل ۳۹: "هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون، دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است."

و اصل ۴۱ می گوید: "تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید."

اصل مفصل ۴۳ قانون اساسی نیز که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم می کند در بند ۱ تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه را مقرر می دارد و بند ۲ نیز تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر بکارند ولی وسایل کار را ندارند بیان می کند. و بند ۳، این ایده آرمانی و انسانی را متعرض می شود که "تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه

بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار را داشته باشد. سرانجام باید متذکر شد با اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۲ دین رسمی را اسلام و در اصل ۱۳ دین مسیحی، یهودی و زرتشتی را به عنوان اقلیت دینی به رسمیت می شناسد ولی در اصل ۱۴ اصولاً رعایت قسط و عدل و حقوق انسانی را بر مبنای آموزه های اسلامی برای همه افراد غیرمسلمان نیز که در مقام دسیسه چینی برنیابند لازم می شمارد و مقرر می دارد:

به حکم آیه شریفه: "لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلواکم فی الدین و لم یخرجواکم من ديارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین" دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند، نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند."

اصول یاد شده برخی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که متکفل بیان بخشی از حقوق و آزادی های اساسی است که برای اتباع ایران صرف نظر از هرگونه تعلق نژادی، زبانی، قومی، مذهبی و جنسیتی شناخته شده و چنانکه ملاحظه شد عموماً با کلماتی چون: همه، هرکس، هر فرد، آحاد ملت، عامه مردم، عموم، مردم ایران، افراد ملت، اشخاص، هیچکس، همه ملت، و نظایر آنها بیان شده و قاعدتاً نشأت گرفته از همان دیدگاهی است که کرامت انسانی را به عنوان یکی از مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مستلزم تساوی افراد ملت در حقوق و آزادی های اسلامی و رفع تبعیض براساس هرگونه تعلقات عارضی به غیر از آنچه مربوط به صلاحیت توانایی اشخاص است، می داند.

منابع و توضیحات

۱- ماده ۲۹ قانون اساسی کویت سال ۱۹۶۲: "اناس سواسیه فی الکرامه الانسانیه و هم متساون لدی القانون فی الحقوق والواجبات العامه، لاتمیز بینهم فی ذالک بسبب الجنس، او الاصل او اللغه او الدین".

۲- بنگرید به مجموعه اسناد و مدارک قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صفحه ۵۲ و بعد.

۳- همان منبع.

۴- برای ملاحظه اصل سؤال و پاسخ امام مراجعه کنید به کتاب دیدگاه های جدید در مسائل حقوقی از دکتر حسین مهرپور، صفحه ۲۶۹.